

تماشاخانه

احسان گنجی | کارتون‌نویست | ehsanganji58@gmail.com



متن مخاطبین

میشی که طرف دیپلم‌ردیه و بارهای بار به جرم سرقت مسلحانه از چوپان‌ها گرفتنش. بعد که تاکسی حرکت میکنه، راننده جای کولر شیشه رو میده پایین، میگی آقا چرا کولر نمی‌زنی؟ میگه آقا داره از زمین و زمان میباره کولر برای چیته؟ خب راننده عزیز اون بارش موسمیّه میاد میباره و میره. بعدش این بارشه پیاره نبوده و حتی سه باره هم شده و ریخته، اصلاً بحث ریختنش به این چیزانیست، اصلاً قدرت تشخیص داره و همزمان آنالیز می‌کنه چشواتو که میزان بدبختیت کم بوده یا نه تک‌تک، جواب راننده‌ها معمولاً تو این موقعیت به چیزه «ناراحتی پیاده‌شو» و حرفاتو به جای دیگه بریز، من که میدونم قدرت تواناییم در مقابل این دوستان کمه سکوت می‌کنم و بیشتر به این دو جنازه‌ای فکر می‌کنم که از بوی بد اون دوستان خفه شدن.

تاکسی‌های مفرح | فرید صادقی | آقا امروز هوا کم از دیروز نداره، یعنی فضای هوا تنها به دستگاه سسولاریوم میخوره و جون میده برای برنزه شدن و این برنزه شدن گاهی وقتاً اصلاً درست اجرا نمیشه، دقیقاً شبیه بعضی از خیابانمون که به همه چیز میخوره جز خیابون، یعنی اگر به این قسمت داخل نقشه بگن، ادامه سلسله جبال زاگرس در منطقه ۱۲ درش کمتره، مشکل الان این نیست، مشکل الان فضای شاد و مفرحی که داخل بعضی از تاکسی‌ها وجود داره، دمای هوا رفته رو ۵۰ و خودش حجلالت میکشه بالاتر بره، ولی طرف از ۵۰ متری ناله می‌زنه که یک هفته است محوم نرفته و حجلالت هم نمیکشه و میاد داخل ماشین و معتقد هستش که حقوق حیوان به خصوص حیوانات مفید به خوبی رعایت نمیشه، خوب که پیگیری بشی متوجه این مطلب

تقاطع غیرهم‌سطح

چرا فحش خوردن برای بدن لازم است؟

مرحله پنجم: شما وارد دانشگاه می‌شوید. خانم کریمی به شما محل نمی‌گذارد و عاشق اسکندر، پسر پولدار دانشکده است. شما ابتدا اسکندر را که اسمشش را به ژوبین تغییر داده، تهدید می‌کنید. اما جواب نمی‌گیرید، در نهایت مجبور می‌شوید باهاش قرار دعسوا بگذارید. ژوبین به اسکندر تغییر کاربری می‌دهد و چندتا نوجه‌اش را می‌آورد و دور از جان مثل هاپو کتک‌تان می‌زند.

مرحله ششم: می‌روید سربازی؛ این جا گیر چند سرباز قدیمی‌تر می‌افتید. پسی خورتان در این مرحله بسیار خوب می‌شود. با شسستن توالت و آشپزخانه هم به صورت حرفه‌ای آشنا می‌شوید. در این مرحله از شدت کتک خوردن فیزیکی‌تان کم و بیشتر به صورت روحی کتک می‌خورید و احتمالاً یا سبک‌کاری می‌شوید یا نمی‌شوید.

مرحله هفتم: ازدواج می‌کنید: برادرزن‌های‌تان به کابوس زندگی‌تان تبدیل می‌شوند. آنها را جوری تربیت کرده‌اند که تنها رسالت‌شان را کتک‌زدن شوهرخواهرشان می‌دانند. همین که زن‌تان سوت بزند، چهار تا گولاخ از در و دیوار بالا می‌آیند و انتقام همه بحث و تبادل نظر‌ها با خواهرشان را از شما می‌گیرند

نیست که برای به دنیا آوردن بچه داماد لندهورشان این همه درد بکشد. شما به دنیا می‌آید و پرستار شیفت شب که دایم بر این گمان است که همسرش در شب‌هایی که او شیفت می‌ماند، شوهر خوبی نیست، خسته و عصبی، جوری اولین ضربه را به پشت‌تان می‌زند که عوض این که نفس‌تان دربیاید، نفس‌تان بند می‌آید.

مرحله سوم: به‌سه-چهار سالگی رسیده‌اید و طبق تحقیقات، این سن بهترین زمان برای کتک‌خوردن است. دیگر کم‌کم دارید تخس می‌شوید و علاوه بر پدر و مادر، تان، لچ هر کدام از اعضای فامیل را هم که دربیابید، در خفا جوری پس‌گردنی می‌خورید که گردن‌تان مثل الالکنگ بالا و پایین بیبرد. پدر و مادر هم با حفظ سمت، حق کتک‌زدن‌شان را به عمو و عمه و خاله و دایی و چندتا همسایه این‌ور و چندتا همسایه اون‌ور تفویض می‌کنند.

مرحله چهارم: وارد مدرسه می‌شوید. معلم یا ناظم دیشب در خانه دعوی نسبتاً شدیدی داشته‌اند. شما هم یا درس نخوانده‌اید یا ناخن‌تان بلند است یا کله‌تان را با نمره چهار نزده‌اید یا اصلاً معلم حلال کرده که کتک‌تان بزند. این مراسم تقریباً ۱۲ سال تکرار می‌شود و شما به یک کتک‌خور کاملاً حرفه‌ای تبدیل می‌شوید

شهاب نبوی | طنز نویس

امروز به بررسی این موضوع می‌پردازیم که ما تا به میانسالی برسیم، چقدر باید فحش و کتک بخوریم تا بدیده شویم.

مرحله اول: این مرحله جزو مراحل است که زیاد به شما مربوط نمی‌شود و بیشتر به قصد و اراده والدین‌تان بستگی دارد. در این مرحله یک شب که پدرتان دور از جانش مثل چی کار کرده و خسته و کوفته به خانه برمی‌گردد، مادرتان شروع به غرزدن مصنوعی می‌کند. خلاصه مادر بعد از کمی غر مصنوعی، در حالی که دستش را روی شکمش گذاشته، با منتهای ناز و عشوه می‌گوید که ما داریم بچه‌دار می‌شویم. شما اولین فحش در طول حیات‌تان را همین‌جا نوش‌جان می‌کنید. اگر کمی گوش‌های نداشته‌تان را تیز نکنید، حتماً می‌شنوید که پدرتان دارد به خودش می‌گوید که ای بابا توی این وضع، همین فلان‌فلان شده رو کم داشتیم.

مرحله دوم: مادرتان دردمی می‌گیرد و می‌برندش بیمارستان. احتمالاً در این مرحله یکی-دوتا فحش از پدر بزرگ و مادر بزرگ‌تان خواهید خورد. آنها معتقدند این حق بچه‌شان

توی دنیای پر از اندوه و جنگ خنده کرد و داد پاسخ: «شهر‌ونگ»

پیر را گفتم: به ما شد عرصه تنگ جز شکیبایی چه باشد راه‌کار؟

صفحه روزانه طنز و کارتون | شماره هشتصد و هفتادم



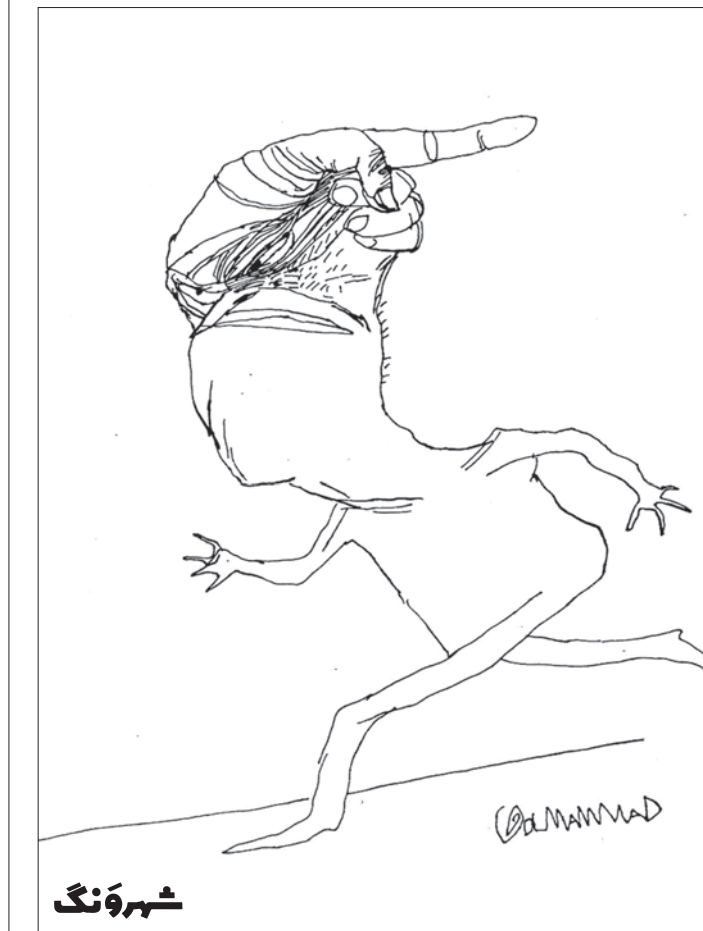
در باغ وحش مشهد از ۸ توله ببر فقط یکی زنده مانده

مسئول باغ وحش: «شر منده، یکی شون خیلی سخت جون بود!»

◀ مردم: متأسفانه ببر ها هنوز مثل ما پوست کلفت نشده‌اند!
◀ تنها باز مانده: «منم شروع کردم میومو کر دن که فکر کنند بچه گر به‌ام!»
◀ کامران، شیر ایرانی: «اون وقت توی این اوضاع قاراش میش از من توقع زن گرفتن هم دارن!»
◀ یک مسئول: «مشکل ما اون هفت تا که مُر دن نیستند تحقیق کنید که این یکی چرا زنده مونده!»
#ببر_هم_کم_آورد #به_داد_حیوانات_برسید #شهر‌ونگ



شهر فرنگ | گل محمد خداوردی زاده | کارتون‌نویست



شهر‌ونگ

شهر زیبا

خرید اینترنتی خودرو در کشورهای کمتر توسعه یافته

حسام حیدری | طنز نویس

در کشور ما فرآیند سفارش و خرید خودرو خیلی راحت و سریع و با حداقل تأخیر انجام می‌شود. تنوع و قیمت مناسب خودروها هم که زیاندار است، اما در کشورهای کمتر توسعه یافته‌تر از ما اوضاع به این خوبی نیست. باهم سری می‌زنیم به پرتال فروش یکی از شرکت‌های خودروسازی در این کشورها: به پرتال شرکت «کمتر توسعه یافته‌تر خودرو» خوش آمدید. اگر اینترنت شما سرعت زیادی داشته و از دو ساعت پیش تالان مرتب رفرش کرده باشید، می‌توانید لیست خودروهای آماده فروش را مشاهده کنید. در صورتی که فقط یک خودرو مشاهده می‌کنید، نگران نباشید. مافعلا فقط همین یکی را تولید کرده‌ایم. برای انتخاب کلیک کرده‌به مرحله بعد بروید.

به مرحله بعد خوش آمدید. در صورتی که هنوز اینترنت‌تان وصل است می‌توانید رنگ خودروی خود را انتخاب کنید. با توجه به اهمیت ما به انتخاب و سلیقه مشتری؛ امکان انتخاب دو رنگ برای شما در نظر گرفته شده است: سفید پرتنگ و سفید کمرنگ. البته لازم به ذکر است که امکان تغییر رنگ موقع تحویل خودرو وجود دارد و شرکت هیچ تعهدی در این زمینه برعهده نمی‌گیرد. در صورت موافقت به مرحله بعد بروید.

خب می‌بینم که همچنان در حال ادامه دادن هستید. به قسمت خوب ماجرا رسیدیم. در این مرحله باید کل پول خودرو را واریز و محض اطمینان ده دوازده درصد هم برای مالیات و این جور چیزها اضافه کنید. بهر حال کار از محکم کاری عیب نمی‌کند. لازم به ذکر است که به احتمال زیاد خودرو در زمان مشخص شده آماده نمی‌شود، پس مثل همیشه شرکت هیچ مسئولیتی در این زمینه ندارد. پول رو که ریختی برو مرحله بعد.

آخ تازه بادم افتاد که یکی دو تاقطعه کوچک مثل باتری و سرسیلندر روی خودروی شما نصب نیست. اگر مشکلی نداری که برو مرحله بعد ولی اگر می‌خوای ادای مشکل دارها رو در بیاری انصراف بده. لازم به ذکر است در صورت انصراف پول شما ظرف مدت هشت تا ده ماه به حساب شما عودت داده خواهد شد. البته شرکت در این زمینه هم هیچ مسئولیتی برعهده نخواهد داشت.

به مرحله جدید خوش آمدید. شما خیلی انگیزه داری داداش. دمت گرم. ولی لازم است به اطلاع برسانم که خودروهای شرکت ما بیمه واز این جور سوسول‌بازی‌ها هم ندارد. تسمه تایمش هم هنوز به ۵۰۰ تا نرسیده پاره می‌شه. نمایندگی‌ها مون هم آنچنان خدمات خاصی انجام نمی‌دن. یعنی در ظاهر ماشینت گارانتی داره ولی وقتی می‌ری نمایندگی هر مشکلی داشته باشی بهت می‌گن شامل گارانتی نمی‌شه. خلاصه برا خودت می‌گم. نمی‌خوام الکی انتظارت زیاد بشه. حالا با این وجود آگه باز مایل به ادامه هستی برو مرحله بعد

عجب بابا. تو دیگه کی هستی. ما رو از رو بردی. حالا که این طوری شد؛ ۵۰ درصد اومد رو قیمت ماشینت. همین الان برو واریز کن تا بهت ماشین بدیم...هر کی نریزه...

جدی واریز کردی؟... من دیگه واقعا حرفی ندارم. یعنی من هر چی بگم نه نمی‌آری...دیگه نمی‌تونم باهاش چیکار کنم. بچه‌های کارخونه رو فرستاده بودم برن شمال، ولی آن‌قدر گیر دادی که مجبور شدم چند تا شون رو بر گردونم. الان می‌گم به چیزی برات درست کنن ولی باز می‌گم شرکت در این زمینه مسئولیتی ندارد.